



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: مقدمه

تاریخ: ۲ آبان ۸۹

موضوع جزئی: تنقیح موضوع بحث

مصادف با: ۱۵ ذی القعدة ۱۴۳۱

جلسه: ۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مقدمه:

در این درس بنا گذاشتیم بحثی را به عنوان آشنایی با مقدمات تفسیر داشته باشیم. مقدمات تفسیر که به عنوان مدخل التفسیر هم نام برده می شود علوم و یا موضوعات علمی است که به نوعی به قرآن مربوط می شود. یعنی فهم قرآن و شناخت قرآن با دانستن این امور مرتبط است. علت انتخاب این بحث هم این است که برای ابتدا و شروع در امر تفسیر لازم است با این مقدمات آشنا شد.

آنچه به عنوان مقدمه تفسیر از آن سخن می گوئیم اموری هستند که به فهم معانی و مطالب قرآن کمک می کنند و حتی کتاب هم به این نام وجود دارد، مرحوم آقای فاضل یک کتابی دارند به نام «مدخل التفسیر» که به سه بحث از بحث های مقدماتی تفسیر پرداخته اند: اول: وجوه اعجاز قرآن، دوم: قرائات مختلفه است، سوم: بحث تحریف قرآن است.

در بعضی از کتب تفسیری هم این مباحث به نوعی مورد تعرض قرار گرفته است مثلاً در مقدمه تفسیر فیض به این مباحث مقدماتی اشاره شده و حدود پانزده موضوع است که می توان مراجعه کرد یا کتب البیان مرحوم آقای خوئی که در این کتاب هم به مباحث مقدماتی تفسیر پرداخته اند. دانستن این امور از جهاتی لازم است، یک جهت عمده این است که این مباحث مدخل فهم قرآن و شناخت قرآن هستند. ممکن است بگویید بحث تحریف و اثبات عدم تحریف در قرآن چه ارتباطی دارد با تفسیر یا فهم معانی قرآن و چه کمکی می کند به شناخت معانی قرآن، یا مثلاً بحث از وجوه اعجاز قرآن چه ارتباطی دارد به فهم قرآن که به عنوان مدخل فهم قرآن از آن نام برده شده است و همین طور سایر بحث ها؟

ضرورت بعضی از این مباحث روشن و واضح است مثلاً بحث اختلاف قرائات که در قرآن قرائات مختلف است. ما در مواجهه با این اختلاف چه باید بکنیم؟ ریشه این اختلاف از کجا است و در موارد اختلاف قرائات معیار و میزان چیست؟ چون تأثیر این قرائات در استظهار کاملاً روشن و آشکار است. یا مسئله ناسخ و منسوخ و وجوه اعجاز قرآن که قرآن به عنوان یک معجزه خالده پیامبر (ص) معرفی شده است، این اعجاز در کدام بخش قرآن است؟

اگر اعجاز قرآن برایمان ثابت نشود و به عنوان یک کلام عادی و مانند سایر کلمات باشد چه دلیلی دارد اینقدر در فهم معنی کند و کاو و دقت شود و یا مثلاً تلاش شود برای پی بردن به بطون آیات قرآنی و یا در مورد تحریف که متأسفانه غیر از اینکه از جانب مخالفین ممکن است این جهت گفته شود در بین علمای شیعه برخی هستند که قائل به مسئله تحریف به نقصان

هستند. این طبیعتاً درست است که ما به عنوان یک امر مسلم پذیرفته‌ایم که قرآن تحریف نشده است اما مبانی این باید روشن شود و همچنین سایر بحث‌ها باید بررسی و روشن شود. که ما به صورت خلاصه و اجمالی به مباحث مربوط و مهم در اینجا خواهیم پرداخت چرا که پرداختن کامل و مبسوط در این جلسه امکان ندارد و خودش جلسات متعدد و زیادی را می‌طلبد که از وقت این کلاس خارج است. اما امهات از این مباحث مقدماتی تفسیر و مدخل تفسیر را بررسی خواهیم کرد.

سؤال: چه نسبتی بین علوم قرآن و مقدمات تفسیر وجود دارد؟

استاد: نسبت مقدمات یا مدخل التفسیر با علوم قرآن اینطور نیست که نسبت تباین باشد بلکه بعضی از این مباحث موضوعات مطرح در علوم قرآنی می‌باشد. و اگر خواهیم علوم قرآن را به معنای عام بگیریم نسبت آن با مقدمات تفسیر نسبت عام و خاص می‌شود. لذا این مباحث از جهتی می‌تواند به عنوان مقدمه بحث تفسیر باشد و از جهتی می‌تواند شعبه‌ای از علوم قرآن باشد که ذکر خواهد شد.

روایتی در مورد فضل قرآن:

برای شناخت و معلوم شدن فضل و برتری قرآن و روشن شدن اهمیت این موضوع و به عنوان تیمن و تبرک روایتی را از پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌خوانیم.

روایت اول: از پیامبر (ص) نقل شده: «فضل کلام الله علی سائر الکلام کفضل الله تعالی علی خلقه» اگر خواهیم کلمات و کتب را با هم مقایسه کنیم، فضل کلام خدا نسبت به سایر کلمات و فضل کتاب خدا نسبت به سایر کتب مثل فضل خدا به مخلوقات خدا است. چقدر فاصله است بین خدا و مخلوقات خدا، اصلاً قابل مقایسه نیست و فضل خدا نسبت به مخلوقات اینقدر زیاد است که قابل تصور نیست، فضل کلام خدا نیز به همین مقدار می‌باشد.^۱

اگر بخواهید به روایات مربوط به فضل قرآن مراجعه کنید در کتاب بحار الأنوار جلد نوزدهم یک بخش مفصلی روایات مربوط به فضل و برتری قرآن را آورده است که خیلی زیاد است. هم در جوامع روایی شیعه و هم در جوامع روایی اهل سنت روایات زیادی ذکر شده و ابوابی برای فضل قرآن منعقد شده است.

روایت دوم: حارث حمدانی نقل می‌کند: روزی داخل مسجد شدم و دیدم که گروهی از مردم دارند درباره حدیث بحث و گفتگو می‌کنند «دخلت المسجد فإذن هنا أناسٌ يخوضون في أحاديث» گروهی را دیدم که در احادیث دارند غور می‌کنند «دخلت علی علی (ع) فقلت ألا تری أناساً يخوضون فی الأحادیث فی المسجد» بعد بر علی (ع) وارد شدم و به ایشان عرض کردم که آیا نمی‌بینی مردم در مسجد در احادیث غور و بحث و گفتگو می‌کنند. «فقال: قد فعلوها؟» آیا دارند این کار را می‌کنند؟ «قلت نعم، قال: اما عندی قد سمعت رسول الله يقول ستكون فتن» «گفتم بله، ایشان فرمودند: پیامبر (ص) فرمودند در آینده فتنه‌هایی اتفاق خواهد افتاد یعنی بعد از من فتنه‌هایی بوجود می‌آید.

۱. بحار، ج ۱۹، ص ۶.

«قلت: و ما المخرج عنها» من سؤال کردم که چه چیزی ما را از این فتن خارج می کند؟ «قال(ص): کتاب الله» رسول الله(ص) فرمودند که کتاب خدا، در مورد کتاب خداوند حضرت (ع) شروع می کنند به سخن گفتن «کتاب الله فيه نبأ ما قبلكم و ما بعدکم» کتاب خدا چیزی است که در آن خبر گذشگان و خبر نسبت به آنچه بعد از شما اتفاق می افتد وجود دارد. که البته در این «خبر ما بعدکم» احتمالاتی را آقای خوئی ذکر می کنند از جمله اینکه اخبار قیامت و معاد است و استشهاد به کلام امیرالمؤمنین می کنند که در جایی حضرت (ع) فرموده است «و خبر معادکم» اما آنچه که به حسب ظهور عرفی از این روایت فهمیده می شود یعنی اخبار از حوادث امم گذشته و اخبار از آینده و غیب گوئی . این کتاب غیب گو است و از آینده خبر می دهد و بالاخره کتابی که از آینده خبر می دهد ارزش آن خیلی بیش از کتبی است که این توانایی و قدرت در آنها مشاهده نمی شود. ظهور متعارف همین است یعنی حوادثی که در امم گذشته پیدا شده و اتفاق افتاده که در قرآن موارد زیادی اخبار از امم سابقه است و خبر نسبت به آینده و حوادث آن می دهد. «و حکم ما بینکم هو الفصل لیس بالهزل هو الذی من ترکه من جبارٍ قسمه الله»^۲ این روایت ادامه دارد که در جلسه بعد تکمیل خواهد شد.

«والحمد لله رب العالمین»

۲ . بحار الأنوار، ج ۹، ص ۷.